

پاسخ آقای دکتر سحابی به اظهارات آقای موحدی ساوجی

راجع به مدارس ملی دولتی شده در مجلس شورای اسلامی

بسم الله الرحمن الرحيم

آقای موحدی ساوجی در جلسه روز یکشنبه ۱۹ تیرماه ۶۲ مجلس شورای اسلامی ضمن نطق قبل از دستور خود راجع به احیاء مدارس ملی و عمل شورای عالی آموزش و پرورش و اینجانب مطالبی را اظهار نمودند که خالی از صحت بود و کلاً به دور از حقیقت.

چون در جلسه مزبور مجازاً حاضر نبودم و به فرض حضور، تکذیب و دفاع مشروح و فوری هم مقدور نبود و از طرف دیگر چون در روزنامه‌های روز، اظهارات آقای ساوجی همسان و به طور کامل درج نشده بود و از این جهت استناد به آنها برای جواب کافی به نظر نمی‌رسید به ناچار تا پخش مجله رسمی «مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی» مربوط به جلسه ۴۹۰ که پریروز صورت گرفت، پاسخ به اظهارات آقای ساوجی تا بحال به تعویق افتاده است و اینک برای تطبیق پاسخ و اظهارات آقای ساوجی و حضور ذهن بیشتر، عین بیانات ایشان را درباره مدارس ملی دولتی شده که در صفحه ۱۵ شماره ۱۰ در صورتجلسه ۴۹۰ مندرج است، نقل می‌نمایم.

«شهادت رجایی این نمونه یک مسلمان مخلص و استوار انقلابی رضوان الله علیه می‌فرمود: آموزش و پرورش برای همه و باید همه امکانات مادی و معنوی یعنی مدرسه و معلم و سایر وسایل میان همه بطور عادلانه توزیع شود و جلو مدارس ملی را گرفت اما اکنون زمزمه اعاده وضع سابق و تأیید و تقویت مدارس ملی به گوش می‌رسد و شورای عالی آموزش که افرادی مثل آقای دکتر سحابی از سران نهضت آزادی در آن عضویت دارند اخیراً تصویب کرده‌اند که مدارس ملی احیا شود و گفته می‌شود خود زمینی را برای مدرسه ملی تهیه کرده است. اگر وجود مدارس ملی اسلامی قبل از انقلاب توجیه شرعی و منطقی داشت، در نظام جمهوری اسلامی که همه سیاستها و برنامه‌های کشور مطابق قانون اساسی و موازین شرع مقدس است وجود مدارس ملی، ایجاد دوگانگی در نظام آموزش و توهین به اسلام و ظلم و ستم به بیش از ده میلیون دانش‌آموز و صدها هزار آموزگار است. خصوصاً که مشاهده می‌شود این مدارس امروز غالباً در قبضه سران انجمن حجتیه قرار دارد. بنده از وزیر محترم آموزش و پرورش استدعا دارم جلو این سیاستها و تصمیم‌گیری‌ها را بگیرند و اجازه ندهند روشها و سیاستهای شهید رجایی و شهید باهنر به وسیله این جریانها به فراموشی سپرده شود.»

در بیانات فوق، موضوع اصلی صحبت، مطرح ساختن مدارس ملی سابق و انتقاد از اعاده آنها است و آقای موحدی ساوجی به تصریح گفته‌اند که شورای عالی آموزش و پرورش اخیراً تصویب کرده است که مدارس ملی احیا شوند و ضمناً موضوع‌های مصرح و غیرمصرح دیگر در بیانات آقای ساوجی وجود دارد

که بجاست درباره همه آنها توضیح داده شود.

در ابتدا بطور مجمل و قاطع عرض می‌کنم که در شورای عالی آموزش و پرورش نه اخیراً و نه قبلاً مطلبی درباره مدارس ملی دولتی شده مطرح نگردیده و نه به طریق اولی چیزی درباره احیا مدارس مذکور به تصویب آن شورا رسیده است! بنابراین اطلاعاتی که به آقای موحدی ساوجی در این زمینه رسیده است ناصحیح بوده و تصریحی که ایشان در تصویب احیا مدارس ملی سابق از طرف شورای عالی نموده است باطل و مردود می‌باشد. موضوع‌های دیگر از قبیل تهیه زمین از طرف اینجانب برای تأسیس مدرسه ملی هم به دور از درستی و حقیقت است.

پس از این تکذیب اجمالی و قطعی برای مزید اطلاع و جلب توجه نمایندگان محترم و علاقمندان به اصلاحات اساسی در معارف و تعلیمات کشور، اطلاعات و مطالب ذیل را اضافه می‌نمایم:
اخیراً چندی است که شورای عالی آموزش و پرورش به تصریح تبصره ۱ از ماده واحده لایحه قانونی دولتی شدن مدارس ملی مصوبه شورای انقلاب که به شرح ذیل است مشغول بررسی نحوه مشارکت مردم در ایجاد مدارس غیرانتفاعی می‌باشد:

«تبصره ۱- با توجه به ضرورت مشارکت مردم در امر تعلیم و تربیت، وزارت آموزش و پرورش می‌تواند از همکاری افراد و گروههایی که داوطلب اداره آموزشگاهها به صورت غیرانتفاعی و بر اساس ضوابط دقیق آموزش و پرورش باشند استفاده کرده و امکانات تسهیلات لازم در اختیار آنان قرار دهد. آئین‌نامه نحوه مشارکت مردم در اداره مدارس غیرانتفاعی باید حداکثر تا دو ماه دیگر تهیه و به تصویب شورا برسد.»
این بررسی بیشتر، پس از تذکرات مکرر نخست‌وزیر به شورای عالی آموزش و پرورش در اجرای لایحه قانونی دولتی شدن مدارس ملی و تذکرات ریاست جمهوری به وزیر آموزش و پرورش در تقلیل بار مالی عظیم آموزشی دولت از راه مشارکت مالی مردم و همچنین تذکراتی از طرف رئیس مجلس شورای اسلامی در همین زمینه‌ها شروع شده است.

پس از این تذکرات وزارت آموزش و پرورش از شورای عالی آموزش و پرورش خواست که برای اجرای موضوع تبصره ۱ ماده واحده قانون دولتی شدن مدارس ملی و با مطالعه لازم، آئین‌نامه مربوط را تهیه نماید و شورا هم کمیسیونی را مأمور نمود تا با توجه به تصریحات قانونی و ضرورت‌های لازم آئین‌نامه‌ای را تهیه و برای رسیدگی و تصویب به شورا پیشنهاد نماید. کمیسیون نیز پس از چند ماه مطالعه گزارشی تهیه نمود که در دستور کار شورای عالی آموزش و پرورش قرار گرفته است.

اصول کلی و اساسی که در گزارش کمیسیون در نظر گرفته شده از این قرار است:

۱- هر فرد خیر و یا مؤسسه خیریه علاقمند به خدمات فرهنگی در صورتی که ساختمان مناسبی را بدون دریافت اجازه بها برای ایجاد مدرسه واگذار کند و یا وقف نماید یا در زمین متعلق به دولت به خرج خود ساختمان متناسبی را ایجاد نماید و یا نیمی از کلیه مخارج جاری یک مدرسه را به عهده گیرد و تضمین پرداخت آنرا بنماید، می‌تواند صاحب امتیاز مدرسه‌ای بشود و خود به‌عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره در اداره آن مدرسه مشارکت نماید.

با این پیشنهاد و در صورت تصویب و اجرای آن، موجبات تشویق مسلمانان متمکن و علاقمند در ایجاد مدارس با حقیقتی که مطابق با اعتقاد دینی آنها باشد فراهم می‌گردد و بار مالی قابل ملاحظه‌ای از بودجه

عمومی پرداخت می‌شود و وزارت آموزش و پرورش با صرفه‌جویی بزرگ که از این راه می‌نماید احتیاجات لازم دیگر را رفع نموده و برنامه‌های تعلیماتی ناکامل خود را تکمیل می‌نماید.

۲- اداره هریک از چنین مدارس به عهده هیئت مدیره‌ای مرکب از پنج نفر است که دو نفر آنها از اعضای اداره آموزش و پرورش و یا با نظر آن اداره انتخاب می‌شوند و دو نفر دیگر نماینده‌ای از اولیای دانش‌آموزان مدرسه و نماینده‌ای از معلمان مدرسه و نفر پنجم صاحب امتیاز مدرسه می‌باشد و به این ترتیب مقررات رسمی آموزش و پرورش در این مدارس به وسیله اکثریت هیئت مدیره که از اعضای آموزش و پرورش هستند اجرا می‌شود و احتمال دوگانگی در نظام آموزشی این مدارس نسبت به مدارس دولتی به نحوی که نماینده ساوه و دیگران از روی عدم بصیرت و یا تلقین بدخواهان داده‌اند، موردی پیدا نخواهد نمود.

۳- معلمان مدارس غیرانتفاعی برطبق مقررات و با تایید ادارات آموزشی انتخاب می‌شوند و هرگاه از معلمان شاغل در مدارس دولتی در آموزشگاه‌های غیرانتفاعی استفاده شود باید با اجازه اداره آموزش بوده و تدریس در مدارس غیرانتفاعی برای این معلمان در صورتی ممکن خواهد بود که خدمت اصلی خود را در مدارس دولتی انجام داده باشند.

خدمات اداری و تعلیماتی مدارس غیرانتفاعی نیز تحت مراقبت مستمر و کنترل ادارات آموزشی قرار دارد تا در صورت مشاهده وضع نامطلوب، از هر نوع فعالیت آموزشی و یا اداری آنها جلوگیری به عمل آید و با اجرای این اصول و مقررات، نگرانی واهی از اینکه مدارس غیرانتفاعی معلمان مدارس دولتی را جذب می‌کنند و یا این مدارس تحت تأثیر افکار سیاسی برخلاف مصالح جمهوری قرار می‌گیرند به کلی بی‌مورد است مگر آنکه این قبیل ایرادات بهانه‌ای باشد برای مقاصد باطنی دیگر که فعلاً به زبان نیاورند!

۴- در مدارس غیرانتفاعی هیچ قسم تصرف مالی خصوصی نباید صورت گیرد و به همین جهت است که آنها را به این اسم می‌نامند و غیرانتفاعی بودن آنها باید در اساس‌نامه مؤسسه صاحب امتیاز قید گردد و یا خود صاحب امتیاز آن را تعهد نماید.

۵- در مدارس غیرانتفاعی، هنگام ثبت نام غیر از وجوه مختصر قانونی وجهی مطالبه نمی‌شود اما اگر چیزی را به مدرسه اهدا نمایند و یا اولیای متمکن دانش‌آموزان به قدر وسع و همت عالی خود وجهی را برای رفع احتیاجات مدرسه بپردازند و یا انجام خدمتی را تقبل نمایند، آن شیئی و یا مبلغ و یا خدمت از طرف هیئت مدیره قبول می‌شود و به مصرف رفع نواقص و یا توسعه وسایل مدرسه می‌رسد و در آخر سال هم در بیلان مالی مدرسه منعکس گردیده و به اطلاع عموم خواهد رسید.

جلب همکاری و کمکهای مالی مردم برای رفع نواقص هر مدرسه فرع جلب اعتماد آنان در تربیت و تعلیم فرزندان آنها است. هرگاه ادارات آموزشی، با محبت و حسن تفاهم و به دور از سوءظن، مشارکت اولیای دانش‌آموزان هر مدرسه را، تا حدودی که مصلحت و مقررات قانونی اجازه می‌دهد بپذیرند و باعث شوند که اولیای محصلین همواره در تماس با مدرسه باشند، اگر نقیصه‌ای از نظر مالی در کار مدرسه وجود داشته باشد، مسلماً از طرف هر خانواده متمکن و خیراندیش و سخاوتمند که خدمت در راه مدرسه را باقیات صالحات و سرمایه‌گذاری در راه خدا می‌داند، رفع خواهد گردید و با توسعه مفیدی که در محیط مدرسه لازم به نظر می‌رسد، انجام خواهد یافت. این کار مقدمه‌ای برای اصلاحات بزرگتر در وضع آموزشگاهها خواهد شد و تنها با چنین همکاری و تعمیم آن است که می‌توان امیدوار رفع مشکلات مدارس و انحطاط روزافزون

تعلیمات کشور گردید.

فایده همکاری مردم در کار اداره مدرسه نه فقط موجب جلب کمک‌های مالی به مدرسه خواهد شد بلکه با رفت و آمد و حضور اولیای علاقمند و دیندار در صحنه مدرسه و مؤانست آنان با اولیای مدرسه باعث می‌شود که از یک طرف مردم همه چیز و همه احوال مدرسه را از آن خود بدانند و به آن دلبسته باشند و از طرف دیگر با تأثیر و آشنایی متقابلی که به شرایط زندگی اطفال و جوانان و اوصاف و رموز تعلیماتی آنان بین اولیای مدرسه و خانواده محصلین حاصل می‌شود، اساس همکاری خانه و مدرسه برای اجرای اصول هماهنگ در تربیت و تعلیم صحیح نوباوگان فراهم می‌گردد.

اشاره به کلیات فوق برای آن است تا علاقمندان و صاحب‌نظران منصف ملاحظه نمایند که به دور از جنجال‌ها و بهانه‌ها چه تفاوت‌ها میان مدارس غیرانتفاعی پیش‌بینی شده با مدارس دولتی و یا دولتی شده وجود دارد.

حال ملاحظه فرمایند که چگونه بدخواهان و آنان که دانسته و یا ندانسته ملهم از افکار افراطی مارکسیستی بوده و هواخواه متمرکز ساختن تمامی امور کشور در دست دولت می‌باشند و از جمله تعلیمات مملکت را به این روز انداخته‌اند، سوءاستفاده نموده و موضوع مدارس غیرانتفاعی را که در پیشنهاد آن هیچ نظری جز اصلاح اساسی تعلیمات کشور از راه مشارکت مردم و کم کردن بار مالی دولت نبوده و قانوناً موظف به این پیشنهاد نیز بوده‌اند^۱ به بهانه‌های بی‌اساس و ایجاد مانع، به آقای ساوجی بازگو می‌کنند و ایشان هم بدون تحقیق و به ناحق همان تحریکات را همراه با بعضی از چاشنی‌های سیاسی و نسبت‌های ناروا که متأسفانه نشانه از زیغ در قلب است در نطق قبل از دستور خود مطرح می‌سازد.

اما اینکه آقای ساوجی گفته است که من زمینی را برای تأسیس مدرسه ملی تهیه کرده‌ام هر چند این گفتار آقای ساوجی هم صحیح و درست نیست، ولی ای کاش که این گفته مصداق پیدا می‌کرد و من می‌توانستم زمین و ساختمانی را در تأسیس مدرسه‌ای به کار می‌انداختم تا در کهولت امروز مثل دوره جوانی به ایجاد مدرسه‌ای مثل دبیرستان کمال سابق، در نارمک موفق می‌شدم و به دستگاه آموزش امروز و مردم علاقمند نشان می‌دادم که با وجود اشکالات و کمبودهای آموزشی موجود، چگونه می‌توان مدرسه‌ای را به کار انداخت که در آن به «تحکیم دین از راه ترویج علم»^۲ پرداخت و نهالهای ثمربخش و برومندی را برای استقرار جمهوری اسلامی ایران تحویل جامعه کرد.^۳

ادامه متن سند تا زمان تنظیم این مجموعه به دست نیامد. (واحد انتشارات ن.آ.ا.)

۱- همین آئین‌نامه مدارس غیرانتفاعی پیشنهاد شده هم، با اشکالاتی که می‌گیرند، هنوز کاملاً به تصویب شورای عالی آموزش و پرورش نرسیده است.

۲- شعار دبیرستان کمال سابق

۳- دبیرستان کمال در سال ۱۳۳۷ در نارمک که ساکنان آن از مردم کم‌بضاعت تهران بودند، و بدون

* ادامه متن سند تا زمان تنظیم این مجموعه به دست نیامد. (واحد انتشارات ن.آ.ا.)